

سند ۲۰۳۰

مشاهده و دانلود کلیپ سخنان خانم دکتر مروجی در مورد سند ۲۰۳۰

---

## تصمیم های کورتونی امریکا از بوش تا ترامپ علیه ایران

[http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/04/video\\_2019\\_4\\_13-19\\_55\\_0\\_278\\_bi6.mp4](http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/04/video_2019_4_13-19_55_0_278_bi6.mp4)

تصمیم های کورتونی امریکا از بوش تا ترامپ علیه ایران  
برنامه ریزی دوازه ساله‌ی آمریکا برای مطرح کردن  سپاه یک سازمان تروریستی است!!

پرستو مروجی  
کانال رسمی موسسه پژوهشی یاسین عصر  
لینک در ایتا   
<http://eitaa.com/joinchat/787611652C944ad0e6a9>

در سروش   
<https://sapp.ir/yasinasr>

---

## دورخیزهای تا بلو ۱۴۰۰

علی لاریجانی: اگر FATF خلاف منافع ملی بود چرا سال ۸۶ تصویب کردید!!

## باند روز چنگ ها

[http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/01/video\\_2019\\_1\\_7-22\\_12\\_58\\_240\\_A70-1.mp4](http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/01/video_2019_1_7-22_12_58_240_A70-1.mp4)

---

## دختران خیا بان شعور!

ماجرای جلوه نمائی و جمال فروشی زنانه در ایران از ۲۰۰ سال بعد از آنکه طاهره قرة العین در نشست بدشت ضمن برداشتن حجاب با ابتهاج شعر زیر را سرود:

ای عاشقان ای عاشقان شد آشکارا وجه حق  
رفع حجب گردید هان از قدرت رب الخلق

مُبدل به یک معضل در مناسبات اجتماعی ایران شد و کماکان بویژه از فردای پیروزی انقلاب اسلامی موضوعیت خود را حفظ کرده.

به همین دلیل است که ماجرای حجاب و بدحجابی موضوعی است که به قامت عمر جمهوری اسلامی برخوردار از قدمت شده و از شدت استمرار مرزهای کسالت و ملالت را در نوردیده.

بر همین منوال اظهاراتی از این دست در ایران که «ما ملزم به بهشت بردن مردم نیستیم» مغلطه‌ای است که در راستای بحث حجاب و بی‌حجابی می‌تواند و توانست فهم معوج و ناقص پایورانی از نظام جمهوری اسلامی را برون ریخت کند تا از آن طریق بی‌عملی ایشان در مقابل معضل بدحجابی را رمز گشائی کند.

پایورانی از نظام که قائل به بیتعهدی و لاقیدی حکومت به بهداشت اخلاقی جامعه‌اند در حالی که در متن قانون اساسی بصراحت آمده «دولت جمهوری اسلامی باید همه امکانات خود را بمنظور ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوای شهروندان به کار بندد» خوب است چنان پایورانی بگویند اگر دولت نباید دغدغه سلامت اخلاقی جامعه را داشته باشد در آن صورت و با همان منطق به دولت چه ارتباطی دارد که آموزش و پرورش را در کشور زوری کرده است؟

به دولت چه ربطی دارد که متولی باسواندن کودکان و نوجوانان باشد؟

مفر خودشان است و بگذارید هر طور که مایلند و آزادانه با هر چه که مایلند مفرشان را انباشته کنند!

وقتی در همه کشورها بمنظور رعایت بهداشت غذائی، جمیع رستوران‌ها تحت نظارت سازمان‌های بهداشتی‌اند تا غذائی فاسد و آلوده به مردم ارائه نشود همین مسئولیت را دولت‌ها در قبال غذای روح و ضرورت سلامت اخلاقی جامعه عهده دارند تا عرصه شهر آلوده به هوس‌بازی‌های اخلاق‌کش نشود. در غیر این صورت و با همان «منطق لاقیدی» دولت به بهینه سازی اخلاق در جامعه آنگاه به دولت چه ربطی دارد که با مفتشین وزارت بهداشت در امور سلامت غذائی و بهداشتی رستوران‌ها دخالت کرده و استاندارد یا غیر استاندارد بودن و کیفیت مطلوب تولیدات این مراکز را مبنیه می‌زند؟

بگذارید مردم خود متولی طعام خودشان باشند؟ شکم خودشان است و بگذارید هر طور که مایلند و با هر چه که تمایل دارند شکم‌های خود را انباشته کنند!

با همین منطق اساساً به دولت چه ارتباطی دارد که از شهروندان و به زور مالیات می‌گیرد؟

شهروندان را به حال خود بگذارید تا هر کدام که مایل بودند برای خدمات شهری به شما مالیات دهند یا ندهند!

در این میان جای آن دارد تا به همه آن بانوانی که خالی از هرگونه مبانی معرفت اندیشانه لاقیدی خود به حجاب را تشخیص و مدرنی و متمدنی فهم کرده اند گوشزد کرد:

حجاب بمعنای عدم جلوه گری تناهی در سپهر علنی جامعه، متکی بر حجت

عقلی و ضرورت منطقی است.

چنین بانوانی گریزی از این واقعیت نمی‌توانند داشته باشند، وقتی حضورشان در سپهر علنی جامعه را بدون تقيید به عرف و فرهنگ و قوانین جامعه با تنانگی و جلوه گری جنسی آغشته اند اين امر بدان معنا است که جلوتر از دیگران برای خود قبل از موجودیت و هویت و شخصیت انسانی قائل به موجودیت جنسی و هوس فروشانه اند!

در آن صورت چنان بانوانی با چنین حضوری دیگر چه توقعی دارند تا نظربازان و حرام چشمان را ملامت کنند که چرا با هیزچشمی بدنم را چون مرتع انگاشته و چهارپایانه آنرا می‌چرید و به چشم شهوت می‌کاوید و می‌انگاریدم؟

در این صورت هیچ تفاوتی بین بانوان بی تقيید به قانون و عرف جامعه با یک دزد و قاچاقچی یا فروشنده مواد

مخدر نیست و جملگی در یک چیز شریک اید و آن بی وقوع و شکستن قانون!

گذشته از آنکه حضور تنانه در حریم عمومی در نظامی که قانون و عرف اسلامی بر آن حاکم است بمعنای تجاوز حریم خصوصی به حریم عمومی و تضییع حقوق مدنی شهروندان است.

به همان اندازه که بدن یک زن حریم خصوصی ایشان است به همان اندازه چشمان مردان نیز حریم خصوصی ایشان محسوب می‌شود و همان طور که مردی حق ندارد در حریم عمومی بدون مجوز دست به بدن زنان بزنند زنان نیز محاذ نیستند بدون جواز، حریم خصوصی چشم مردان را خودسرانه به اشغال خود در آورده و خویش کامانه از مردان مطالبه چشمپوشی و غمض عین کنند.

هم زنان و هم مردان موظف اند در ورود به حریم عمومی امساك قانونمدارانه کنند.

صحبت از مذمت سکس نیست محل مناقشه مکان سکس و تنانگی است.

احتجاج آن بخش از زنان بدحجاب که لاقيدي خود به حجاب در جامعه را با توسل به اين معنا توجيه می‌کنند که:

اين تن خودمه و ما يلم هر جور دلم بخاد در جامعه لباس بپوشم!

چنین احتجاجی قرینه عملکرد وحش انتشاری است که بدن خود را در معاابر عمومی منفجر می کند با همان منطق کوژینه که:

این تن خودمه و ما یلم هر کجا که بخواهم منفجرش کنم.

(نگاه کنید به مقاله زگیل لیلی)

هر چند گریزی از این واقعیت نباید داشت که زن ذاتاً دغدغه دیده شدن دارد هم چنان که مرد بالذات در کمین دیدن است.

یک پروگرامینگ ذاتی.

رفتاری غریزی که توسط خداوند در نهاد بشر تعابیه شده و توسط همان «خداوند پروگرام کننده» امر به مدیریت چنان طبعی شده. صراحت دین ناظر بر مدیریت این ذات است و نه سرکوب آن. صراحتی که طی آن مرد را به اعراض از هرزو بینی و زن را به اعراض از هرزو بینان و اغواگری برای نامحرمان کرده.

هر چند میل به دیده شدن میلی است ذاتی اما میل به خود بینی سیئه‌ای است شیطانی.

عصیان شیطان ناشی از اعراضاش با بت دیده شدن انسان توسط خداوند و میلش به در کانون توجه انحصاری بودنش نزد خداوند بود.

گوهر خلقت زنان نیز نوعاً با چنین ذات و میلی به دیده شدن از طریق خودآرائی سرشه شده.

دیده شدن لزوم بد نیست و اتفاقاً گوهر مسلمانی دیده شدن و پسندیده شدن در چشم خالق از طریق پارسا کیشی و پرهیزکاری است.

محل نزاع دیده شدن خودبینانه و متفرعنانه است.

بخش قابل فهمی از بد حجابی، ناشی از یک دیالکتیک طبعی و جلوه گری ذاتی و بیرون از اراده نسوان (از نه سالگی به بعد) و گرایش به جنس مخالف در ذکور (از ۱۶ سالگی به بعد) و منتج از بلوغ جنسیتی است که بیرون از اراده ایشان در دو گانه «جلوه‌گری و جلوه‌خری» هم افزایی می‌کند و غالباً تحت این پروگرامینگ با فهم خود اتکائی و توهمند خود خواستگی و اراده‌گرائی اقدام به خودنمائی و خودابرازی بمنظور جلب نظر جنس مخالف می‌نمایند.

علی ایحال موضوع قابل مناقشه ابراز تناقضی در حریم عمومی است.

جلوه گری زنانه در سپهر علنی جامعه قبل از تخفیف شخصیت زن، مبتدل کردن و زوال نگاه به مرد در قامت یک آلت جنسیتی است.

بر این منوال توانگی زنانه را می‌توان امری کاملاً تجاری محسوب کرد.

بی‌حاجابی در فورمت توانگی یکی از وجوده و بروز و بلکه یکی از مهم‌ترین مشتقات مصرف‌گرانی در فرهنگ و جوامع غربی است.

در منظومه فرهنگی غرب با تحمیق زن از طریق تشویق زن به فراتر از بی‌حاجابی (بی‌بند و باری و بی‌پرواپی جنسی) ایشان را مبدل به آگهی‌های تجاری رایگان و بیلبوردهای متحرک در سپهر علنی جامعه کرده‌اند تا از آن طریق برای آقایان التذاذ ذهن و تنوع و تحریک و ایجاد ذاتیه زیاده خواهانه جنسیتی کنند تا بالتبوع به یک زن فناعت نکرده و با بودن در بازار پر مطاع زنان الوان و رنگ و وارنگ هر چه بیشتر ذاتیه مصرف‌گرانی‌اش تحریک و بالتبوع رونق این صناعت برای صاحبان این صنعت برقرار و مستدام باشد.

صرف و مصرف بیشتر در نظام سرما به سالار غرب اصل طلائی برای تداوم سود بیشتر صاحبان صنایع و خدمات و تولیدات است.

بر این اساس همه چیز در ذیل این نظام مصرف سالار از جمله زن، مبدل به کالا می‌شود و بالتبوع نگاه به زنان آغشته به عنصر او بجکتیفی کیشن – Objectification می‌گردد.

(در علوم اجتماعی Objectification به شیانگاری و تقلیل زنان به بدنشان اطلاق می‌گردد)

قدر مسلم ذیل چنین نظامی اگر قرار است زن نیز کالا محسوب شود قهرا باید با پکیجینگ و مارکتینگ چشم نواز و دلربا بر مصرف هر چه بیشتر این کالا در بازار مصرف دامن زده شده تا از آن طریق سود صاحبان متصل به این صنعت نیز (تجارت زن) تضمین شود.

سیکل بسته و منحوسی که منتج به افول فروع مناسبات زناشوئی و سرد و تصنیعی و ربا تیک شدن مناسبات زوجین شده و خانواده‌ها را مبدل به خانواده‌های سلولی کرده که برخوردار از فرزندانی‌اند که ناکام از مناسبات عاطفی در خانواده که فرایند رشد و تکوین شخصیت خود را در فضای ناسالم طی می‌کنند.

شبکه تلویزیونی ABC در آمریکا طی گزارشی تنظیم شده فیلمبردار و گزارشگر خود را بشکلی نامحسوس همراه با زنی آلامد و بلوند و خوش جمال و با لباسی تن نما راهی خیابان های نیویورک کرد و بدینوسیله اقدام به تهیه و ارائه گزارش از مردانی کرد که به طعمه مزبور متلك های جنسیتی می گفتند.

گزارشگر ABC در ادامه وقتی مردان مزبور را مورد سوال برای چرائی ابراز آن متلك ها قرار می داد غالباً مواجه با این پاسخ می شد:

مقرر خودشه. زنی که این جوری می آد تو خیابون یعنی خودشم علاقه به شنیدن این متلك ها داره!

بدون هر گونه داوری در مورد گزارش مزبور، پاسخ به این پرسش قابل تأمل است که:

عطف به نیاز توجه طلبانه و تحسین جویانه نسوان، زنی که به اقتفار ارتفاع همین نیاز و در حسرت دیده شدن و مورد تحسین قرار گرفتن و بمنظور «نیل به این میل» از خودآرائی و بدننمائی و جلوه‌گری خیابانی بهره می برد؛ چنین زن و چنان زنانی تصور می‌کنند آن نرینه‌های به وجود آمده در نقطه مقابلشان چه حظ و قصدی را از نگاه «تحسین آمیز فرض شده به ایشان» دنبال می‌کنند؟

آیا آن بانوان محترمه متصورند نگرش آقا یان مزبور در چنان موقعیتی به ایشان برخوردار از حظی مشترک با نگرش زیبا شناسانه است.

آیا آن بانوان محترمه متوجه‌اند آن نرینگان حظ و قصد و وجود اصلی‌شان از رویت آن «چین و ماچینان» و «شه پرکان الوان» چیست و کجا ماجرا را می‌بینند و می‌جویند؟

واقعیت آن است جلوه گری و جلوه فروشی و طنازی و غمازی چنان نسوانی امری است مُعَلّل و نه مُدَلّل هم چنان که حجاب و عزم بر باحجابی امری است مُدَلّل.

چشم‌چرانی مردان نظریاز و چشم‌ربائی زنان نظرخواه دو روی یک سکه‌اند و رابطه دیالکتیکی با یکدیگر دارند در این دیالکتیک مردان با «چشمانشان» زنان را «می‌بینند» و زنان با «چشمانشان» چشم‌چرانشان را «می‌شمارند» و بر این آمار می‌بالند!

آنچه در این میان مورد غفلت قرار دارد آن است که فهم زنان از نگاه چنان مردانی دچار مغلطه است و برخلاف تصور ایشان، مردان قبل از نگاه تحسین به چنان زنانی برخوردار از نگاه اسکوپوفیلیا‌اند!

(اسکوپوفیلیا – Scopophilia تماشاگری جنسی و اشتغال ذهنی از اعمال مربوط به دید زدن افراد)

هم چنان که جنس رفتار تنانه و جلوهگرانه چنان زنانی نیز قبل از تحسین طلبی نوعی اگزیبیشنیزم را بازتولید می کند!

(اگزیبیشنیزم – Exhibitionism خودنما بی جنسی)

علی ایحال تعریف درست از صورت قضیه نیمی از راه حل قضیه است.

علم لاقیدی تنانه اوولوشنی است (Ovolution) که بیرون از اراده زن در بطن و جنم ایشان و بصورت خداداد

و ذاتی پروگرام شده و فعال می شود. هر چند زنان هیچ نقشی در این نیل و میل و کشش ذاتی ندارند اما مدیریت آن نزد بانوان امری عقلی و استدلالی است.

نسوان متأثر از «اوولوشن» در آرمانی ترین نقطه بهجت جنسی و شوق و اقبال به نرینگان و تحت تاثیر این نیل و میل «فرا- ارادی» می کوشند به هر شکل ممکن از طریق خودآرائی و تنآرائی و آرایش و زدايش و پردازش خود را هر چه بهتر و بیشتر در کانون توجه و اقبال و تحسین جنس مخالف قرار دهند.

اوولوشن یک پروگرامینگ جهت کمال جفتیابی و آمیزش از روی خرسندي بمنظور تضمین تنازع بقا و انعقاد نطفه در ایدهآل ترین موقعیت جنسی نزد زنان است.

بر این منوال می توان ما به ازای برخورد سلبی با پدیده بدحجابی و لاقیدی به مستوری را از طریق تخفیف بدحجابی آنتروپی کرد!

تضمين موفقیت ترویج حجاب در تعریف درست از بی حجابی است.

حل مشکل بدحجابی در گرو انحلال آن است.

منحل کردن مسئله بد حجابی (گشودن و تشریح) مقدم بر حل آنست (مرتفع کردن)

از بی حجابان بپرسید معنا و اصرارشان در بدنمائی و تننمائی و جلوهگری خیابانی چیست؟

قبل از آنکه بکوشید حجاب را به ایشان تحمیل و باحجابان را تمجید

کنید بکوشید بی حجابی ایشان را به دست خودشان تحریر کنید!  
شاپرته نیست بدحجابان را تحریر کنید اما این فرصت را مهیا کنید  
تا به دست خود تخفیف شوند!

بدحجاب ترین دخترکان شهر را در بهترین ساعت تلویزیون بصورت زنده  
مقابل دوربین بنشانید تا از از لاقیدی خود به حجاب دفاع کنند.

اجازه‌شان دهید در مقام دفاع از باور خود طرف مقابل را به قوت  
تخطیه کرده و دواعی و مبانی احتجاجی خود در دفاع از بدحجابی و  
بی‌حجابی را بروان ریخت کنند.

بگذارید خود به این صرافت بیفتند که دست شان از حجت عقلی خالی  
است.

تصور می‌کنید آن دختر خانم ۱۴ ساله یا ۱۶ ساله یا ۱۸ ساله و ۲۰  
ساله و ۲۵ ساله و آن خانم ۳۰ و ۳۵ ساله و آن عاقله زن ۵۰ ساله و  
آن پیرزن ۷۰ ساله بی تقيید به مستوری، «بی‌حجابی» خود را از بطن  
آخرین مکاشفات منطقی یا مطالعات فلسفی و تاملات و تعمقات و  
تدبیرات اندیشگی و مطالعه متون و کتب فسفرسوز روان شناختی و  
جامعه شناسی و انسان شناسی و کنکاش در هزار تسوی مباحث  
آنتروپولوژیک و اپیستمولوژیک و هرمنئوتیک فلسفی احصاء و احراز  
کرده اند؟

جلوه‌گری و جلوه‌فروشی و غمازی و طنازی و تنانگی و زنانگی، ذاتی  
خداداد و طبعی و به ودیعت نهاده شده در بطن زنانی است که بدون  
تأمل و تدبیر در ماهیت چنین ذاتی مایل به بروان ریخت و اطفای حریق  
توجه‌طلب خود از طریق جذب نگاه تحسین‌برانگیز نرینه‌ها با خوشخراصی  
و چشمربائی می‌باشد.

به ایشان فرصت دهید تا بی‌بصاعتی اندیشگی خود و ناتوانی در دفاع  
از انتخاب مُعللشان را به دست خود تمهید کند. لاین حس تحریرشدنگی  
ایشان با بت چنان عجز کلامی را نباید تحصیل مراد دانست و چنین  
تحفیفی بمعنای آن نیست که چنان دخترکانی از چنان استخفا فی جملگی  
محببه خواهند شد.

لیکن امید بدان میتوان داشت چنین دخترکانی در فردای چنان «تحفیف  
خود ساخته‌ای» با بت غرور جریحه‌دار شده و حس حقارت‌شدنگی شان خواهند  
کوشید لااقل با اندکی مطالعه و تدبیر و تفکر بتواند از مواضع و

عائق بدهجا با نه خود دفاع کنند.

حتی اگر مطالعه هم نکند لااقل ترغیب میشوند تا اندکی پیرامون خود و رویکرد بدهجا با نه خود «تفکر» کنند تا بعد از آن و در موقعیت مشابه بتوانند بهتر از خود و مواضع حجاب گریزانشان دفاع کنند.

اگر تنها همین یک اتفاق نیز بیفتد مراد حاصل است و توفیق یافته اید برای اولین بار لااقل فکر کردن را بشکلی نامحسوس به ایشان بیآموزانید.

همین که ایشان بفهمند «بیرون از اراده تحمیلی و نامحسوس پارادیم غربی» می توانند فکر هم بکنند و اعمال و رفتار خود را مسلح به عنصر اندیشگی و احتجاجی نمایند مراد حاصل است ولو آنکه با حجاب هم نشوند اما لااقل توانسته اند با لایه جدیدی از شخصیت خود آشنا شوند و التفات یافته اند برخوردار از استعداد اندیشیدن اند و دیگر تحت اتوریته تهاجم فرهنگ غربی تنانگی را چشم و گوش بسته، تَشَخّصُ و مدرنیت معنا یابی نمیکنند.

قدر مسلم نظام نیز با چنین دخترکانی سهل الوصولتر میتواند بر سر حجاب مکالمه داشته و راحتتر با ایشان به تفاهم و تقاعد برسد.

---

داریوش سجادی